



○ غلامرضا گلی زواره

کتابشناسی زندگانی و مبارزات شهید آیه الله قاضی طباطبایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در مزرعه جان‌های مشتاق حق جاری سازد و ارزشهای معنوی و باورهای دینی را در عصر اختناق سلسله پهلوی معرفی نماید و در نشر و ترویج فضیلت‌های اخلاقی و کرامت‌های انسانی اهتمام ورزد، آن شهید والامقام در طریق عرفان به درجاتی معنوی راه یافت و این مسیر را در محراب خونین به پایان رسانید، اما جدیت داشت با رفتار و اخلاقش افراد جامعه را به سوی حقایقی که قرآن و عترت بر آن اصرار ورزیده‌اند، ترغیب نماید و به دلیل همین ویژگی در سال‌هایی که بسیاری در کنج عافیت آرمیده بودند قلوب عاشقان حقیقت را از شور معنوی پر نمود.

در خصوص معرفی سیمای پیرصلابت این آسوه استقامت و پایداری تاکنون با تلاش محققان و نویسندگان و برخی مراکز فرهنگی آثاری آموزنده و ارزنده به رشته نگارش درآمده و در اختیار مشتاقان قرار گرفته است، پیشگام این حرکت فرهنگی اثری است از حجة الاسلام والمسلمین محمد عاصفی که با عنوان «مختصری از تاریخ زندگی علامه شهید قاضی طباطبایی» که در سال ۱۳۵۸ هـ. ق در تبریز منتشر شده است، کتاب «مجلس نشین قدس» با زیرنویس یادواره پیشگام شهدای محراب، آیه الله قاضی طباطبایی توسط «دکتر علی اصغر شعر دوست» به رشته نگارش

عالمان شیعه به مقتضای مقام و مسئولیتی که داشته و دارند پیوسته حافظ ارزش‌های الهی، وارث رسالت انبیا و اولیای پروردگار متعال بوده و هستند، این شخصیت‌های دانشور و پارسا به موازات تلاش‌های علمی و درنوردیدن مسیر معرفت و حکمت، پرچمدار حرکت‌های مقدسی بوده‌اند که در دل‌های عوامل استبداد و استکبار هراس افکنده‌اند، در شب بیداد ستم و یلدای بیداد و نفاق این وارستگان به پا خاستند و با تحمل فشارها، سختی‌ها و نامالیقات وافر و فداکاری به افشای حیل‌ها، نابرابری‌ها و کژی‌ها مبادرت ورزیدند و صبح صادق را نوید دادند، به دلیل همین مقاومت و مبارزات بود که آنان از سوی اعوان و انصار بیگانگان دستگیر می‌شوند، به زندان می‌افتند، تبعید می‌گردند، از وطن آواره می‌شوند و سرانجام آماج تیر دشمنان قرار می‌گیرند و به فیض شهادت می‌رسند و میهمان قدسیان و عرشیان می‌گردند.

شهید آیه الله سید محمد علی قاضی طباطبائی (۱۳۳۱ هـ. ق - ۱۳۹۹ هـ. ق) در زمره این کاروان معرفت است که عمر شریفش را در راه احیای معارف اسلامی و نشر فرهنگ اهل بیت (ع) به کار گرفت و در سنگرهای گوناگون به ستیز با تباهی، جهل و ستم پرداخت و کوشید تا چشمه ایمان را



زندگانی و مبارزات آیت‌الله قاضی طباطبایی

مؤلفین:

رحیم نیکبخت، صمد اسمعیل‌زاده

این اثر بجز از موضوعات مطرح‌شده در تاریخ انقلاب اسلامی، است که در نظر مرکز اسناد انقلاب اسلامی ثبت شده و کاتب حقوق برای مرکز محفوظ می‌ماند.



به جز آثاری که بدانها اشاره کردیم، شهید قاضی در برخی آثار دیگر نیز معرفی شده است و در واقع بخشی از مطالب کتابهایی این گونه به زندگی و مبارزات وی اشاراتی آشکار داشته‌اند که در ذیل به عناوین برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱ - شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، ج اول، علی ربانی خلخالی، ص ۳۶۲-۳۶۵.
۲ - علمای بزرگ از کلینی تا خمینی (ره)، م. جرفارقانی، ص ۳۸۷-۳۸۸.

۳ - نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج هفتم، در برخی از صفحات.
۴ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، ج اول و دوم، در پاره‌ای از صفحات.

۵ - انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سوم، قیام مردم تبریز در بیست و نهم بهمن سال ۱۳۵۶ ه. ش.

۶ - کاروان علم و عرفان، ج سوم، از نگارنده، ص ۱۹۷-۲۲۸. در مجلات و جراید نیز مقالاتی در معرفی این عالم عامل درج شده است.

در سال جاری کتابی با عنوان «زندگی و مبارزات آیت‌الله قاضی طباطبایی» به قلم آقایان دکتر صمد اسمعیل‌زاده و رحیم نیکبخت از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده که به لحاظ دقت در تدوین مطالب، اشراف بر منابع و اسناد غیرمطبوع و بهره‌گیری از خاطرات و نیز ژرف‌نگری و کاوشی بدیع در زوایای گوناگون زندگی آیت‌الله قاضی اثری خواندنی و ماندنی است که می‌تواند به عنوان ماخذی ماندگار برای افرادی که می‌خواهند در پیرامون این شخصیت به پژوهش بپردازند مورد استفاده قرار گیرد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در فرایز 'مقدمه‌ای کوتاه که بر این اثر نوشته یادآور شده است: «... صرف‌نظر از چهره ممتاز و بی‌بدیل امام خمینی [قدس سره] که در مراحل مختلف انقلاب کارکرد سه‌گانه رهبران (وضع دستگاه فکری، بسیج جامعه و مدیریت) را یکجا انجام می‌دادند در ذیل چهره ایشان جمعی از رهبران در سطوح ملی و محلی ایفای نقش - البته محدودتر - کرده‌اند که شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، خود، از جمله این شخصیت‌ها بود. با توجه به اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران در سالهای آغازین نهضت اسلامی، آیت‌الله قاضی طباطبایی در بیوند با امام خمینی [قدس سره] نقش مؤثر و کم‌نظیری در اشاعه این نهضت ایفا کرد. او به عنوان یکی از رهبران محلی نهضت در گسترش انقلاب اسلامی در آذربایجان نقش مهمی عهده‌دار بود، به همین دلیل او را - به حق - خمینی آذربایجان دانسته‌اند. فقر پژوهش در این حوزه و نیازمندی‌های روزافزون جامعه به انجام پژوهش‌هایی گسترده درباره نقش و کارکرد رهبران ملی و محلی مرکز اسناد انقلاب اسلامی را بر آن داشت تا دست به نگارش چنین کتابی بزند. این کتاب مبین تلاش و خدمت این عالم مجاهد به نهضت اسلامی در خطه آذربایجان است...»

نویسندگان در پیشگفتار کتاب خاطر نشان نموده‌اند آیت‌الله قاضی در ایام زندگانی خویش غریب زیست و بعد از شهادت نیز گمنام‌تر از دوران حیاتش بود. ریشه این غریب به دشمنی دیرینه‌ای برمی‌گردد که عده‌ای

درآمد که نشر دانش اسلامی قم در سال ۱۳۶۴ ه. ش به نشر آن مبادرت ورزید، چهلمین جلد از مجموعه دیندار با ابرار پژوهشکده باقرالعلوم (ع) با عنوان «قاضی طباطبایی، قله شجاعت و ایثار» توسط محمد ابراهیم‌نژاد تالیف شده که طی ده فصل زندگی و مبارزات این دانشمند شهید را مورد بررسی اجمالی قرار داده است.

حسین نجفی کتابی به نام «تنهایی و پایداری» را نوشت که به قول خودش روایتی از حیات و مبارزات شهید قاضی طباطبایی را دربرمی‌گیرد، اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و ستاد یادواره شهدای منطقه حکم‌آباد تبریز را نباید در جهت پدید آمدن این اثر و نشر آن به سال ۱۳۷۹ ه. ش فراموش کرد، در این اثر نخست دوران زندگانی آن عالم به خون خفته مورد بررسی اجمالی قرار گرفته و در فصل دوم بوسیله گفت و گو با اشخاصی که به نحوی با آیت‌الله قاضی آشنایی داشته و در ارتباط بوده‌اند گوشه‌ای از سیمای علمی، اخلاقی و سیاسی این نامدار عرصه معرفت به مشتاقان او معرفی شده است. «درنگی در حیات علمی شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی» با عنوان افق اندیشه فصل سوم کتاب را دربرمی‌گیرد و در فصل چهارم سیمای شهید قاضی در کلام بزرگان ترسیم شده است، آخرین فصل (ضمائم) به گزیده اسناد، برخی نامه‌ها و پیام‌ها و گلچین عکس‌ها اختصاص دارد.

شهید قاضی زندگینامه‌ای به قلم خود نوشته که نسخه مخطوطی از آن وجود دارد، اما گویا هنوز به زیور طبع آراسته نشده است، سیدمحمد تقی قاضی (فرزند آن شهید) نیز شرح حالی در خصوص والد ماجد خویش نوشته که در انتظار انتشار آن می‌باشیم.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات جلد سیزدهم از مجموعه یاران امام به روایت اسناد ساواک را به شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی اختصاص داده که با عنوان «جلوه محراب» در تابستان سال ۱۳۷۸ ه. ش به دست چاپ سپرده شده است.



مفرض یا جاهل از وی به خاطر طرح نام امام خمینی (ره) در سرزمین حماسه آفرینان آذربایجان در دل داشته و دارند، از این رو وی هنوز هم در تبریز در هاله‌ای از گمنامی و غریبی می‌باشد، مؤلفان در ضرورت تالیف اثری مفصل که به تمامی ابعاد زندگی شهید قاضی اشاره کند چنین مطرح کرده‌اند:

«... در این بیست و یک سال در رسانه‌های خبری جز اخبار کلیشه‌ای از برگزاری مراسم ختم وی در مسجد مقبره تبریز در سالگرد شهادتش و احیاناً اطلاعات کلی و محدود از حیات او چیز دیگری جهت معرفی ابعاد شخصیت اندیشه و مبارزات وی دیده نشده است در حالی که وی از ابعاد مختلفی برای طرح و بررسی واجد اهمیت است. محصور کردن وی به مبارزات سیاسی ظلم مضاعفی است که در حق او انجام می‌شود...» (پیشگفتار، ص ۱۵)

مؤلفان ضمن اشاره به چند اثر که به معرفی سیمای شهید قاضی پرداخته‌اند، خاطر نشان ساخته‌اند:

«... این آثار در مقابل مقام و موقعیت او آثار ارزشمند ولی مختصری هستند که جای خالی استفاده از اسنادی که به مرور زمان در دسترس قرار گرفته‌اند و برخی منابع دیگر پژوهش در آن‌ها دیده می‌شود...»
تلاش‌های مقدماتی نوشتار حاضر به سالهایی بازمی‌گردد که آقای دکتر صمد اسماعیل‌زاده با آن روحیه ژرف‌کاوی و دقت در حد وسواس و پژوهش‌های گرانمایه و پربار در فراهم آوردن مطالبی مستند، بدیع و عمیق؛ اهتمام ورزیده است. بخش مهمی از ارجاعات این پژوهش را چهار مجلد اسناد ساواک مربوط به پرونده شهید قاضی تشکیل می‌دهد که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم نگهداری می‌شود، یادآور می‌گردد قسمت قابل توجهی از اسناد ساواک تبریز در خصوص آیه‌الله قاضی توسط عده‌ای از اعضای حزب جمهوری خلق مسلمان از میان رفت و این پدیده در ابهام بسیاری از وقایع پشت پرده نقش این شهید در نهضت اسلامی مؤثر واقع شد و با شهادت وی مسایل زیادی ناگفته ماند. البته انتشار پرونده ساواک مرکز، مربوط به آیه‌الله قاضی طباطبایی توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات تحت عنوان «جلوه محراب» تا حدودی این ابهام‌ها و کاستی‌ها را برطرف نموده است.

پدیدآورندگان این اثر به منظور آن که پژوهش خود را تکمیل کنند به اسناد مزبور اکتفا نکردند و برای این که چنین مقصودی را عملی سازند در مسافرت‌های متعدد به تبریز و قم با افراد گوناگونی مصاحبه کردند و به منظور مستندسازی اسناد، حتی ناگزیر شدند خاطرات افراد مخالف را هم بیاورند. از تلاش‌های دیگر محققان این اثر در این راستا استفاده از نوارهای سخنرانی آیه‌الله قاضی طباطبایی است که مربوط به دهه چهل می‌باشند، این نوارها با تحمل زحمت زیاد از نوار ریل به نوار کاست تبدیل شد تا بتوان از آنها استفاده کرد، دست‌نوشته‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های شهید قاضی نیز از منابع این کتاب می‌باشند، یادآور می‌شود مجموعه‌ای ارزشمند و منحصر به فرد از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های منتشر شده توسط آیه‌الله قاضی طباطبایی و سایر علمای آذربایجان در نوشتاری مستقل زیر نظر حجة الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی قاضی انتشار خواهد یافت.

از جمله مسائلی که بر ارزش این کتاب می‌افزاید ماخذ قرار دادن کتاب مخطوط و گران‌سنگ و منحصر به فرد «سفرنامه بافت» به قلم شهید آیه‌الله قاضی طباطبایی می‌باشد. این سفرنامه را ایشان به هنگامی که در شهر بافت، از توابع استان کرمان، تبعید بود به رشته نگارش درآورد که شامل خاطرات ارزشمند آن دانشور شهید در مورد نهضت علما و مسائلی که از سوی مخالفان آنها اعم از ساواک و محافظه‌کاران مطرح می‌شد می‌باشد و چون این مطالب را رهبر نهضت آذربایجان آن هم در سالهای اختناق (سال ۱۳۴۷ ه. ش) نوشته است از منابع دست اول می‌باشد.

کتاب مورد بحث (زندگی و مبارزات شهید آیه‌الله قاضی طباطبایی) در دوازده فصل تنظیم گردیده است، در فصل اول به عنوان مدخل به اهمیت آذربایجان در تاریخ ایران اشاره شده و پس از آن نقش علمای شیعه در تحولات سیاسی - اجتماعی این سامان به خصوص در دو قرن معاصر مورد بررسی قرار گرفته است، مباحثی چون: اولین برخورد علمای آذربایجان و قاجاریه، نقش علمای این خطه در جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، قیام علمای آذربایجان بر علیه رضاخان، مقاومت روحانیان در مقابل فرقه دموکرات و نیز نقش برجسته عالمان این منطقه در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی در این فصل مطرح گردیده است.

دومین فصل به زندگی خانوادگی شهید قاضی طباطبایی اختصاص دارد. مؤلفان در این بخش از کتاب ضمن پرداختن به نقش خاندان قاضی در عرصه‌های مهم تاریخی از دوران صفویه تا عصر حاضر به شرح حال برخی از برجستگان این سلسله اشاره کرده‌اند و در ادامه به نگارش سیمای حاج میرزا باقر قاضی طباطبایی (پدر شهید قاضی) مبادرت ورزیده‌اند، ولادت، دوران صباوت، تشکیل خانواده و تحصیلات مقدماتی شهید قاضی از دیگر مطالب فصل دوم می‌باشد.

در فصل سوم پس از اشاره به تحصیل آن شهید در مدرسه طالبیه تبریز، حوزه علمیه قم و ادامه تحصیل وی در نجف و استفاده از محضر شخصیت‌هایی چون آیه‌الله کاشف‌الغطاء، آیه‌الله سیدمحمسن حکیم، آیه‌الله سیدعبدالحسین رشتی، در حوزه علمیه این شهر مقدس، پس از مقدمه‌ای کوتاه، درخصوص جهات قابل توجه اجازاتی که علمای معروف معاصر درخصوص نقل روایت و اجتهاد صادر کرده‌اند هر بیست مورد اجازه روایت و نیز نام صادرکننده و تاریخ دقیق این اجازه‌ها مشخص گردیده است.

حیات علمی و آثار قلمی شهید قاضی در فصل چهارم بررسی شده است، در آغاز این نوشتار برخی از خصوصیات آن شهید در قلمرو قلم و پژوهش از نظر خوانندگان می‌گذرد از جمله: تصحیح کتب فراموش شده و برخی نسخ خطی از بزرگان شیعه آنهاهم با دقت و موشکافی و مقابله‌ای دقیق تا زمان به دست آوردن متنی قابل اعتماد و اعتنا، آن شهید در زمره معنود علمایی است که برای آثار خود فهرست اعلام اعم از اماکن، اشخاص، قبایل و کتب تهیه می‌کرد تا اهل تحقیق بتوانند با سهولت از مندرجات کتاب موردنظر استفاده کنند، از ویژگی‌های علمی ایشان تجلیل اهل معرفت بود و با اغلب محققان نامی شیعه سابقه دوستی و مودت داشت و به قدری مورد اعتماد مراجع عظام بود که تدوین برخی از آثار علمی خود را به وی محول می‌نمودند. اگر نوشته‌های وی مورد انتقاد قرار





می‌گرفت نه تنها بر نمی‌آشفتم بلکه ناقد را با احترام می‌ستود و اگر جوابی برایش داشت با رعایت ادب توضیحات کافی را در خصوص ایراد مطرح شده می‌داد. شهید قاضی ضمن آن که هر کتابی را به دقت مطالعه می‌کرد و موضوعات آن را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌داد، مواردی را که نیاز به توضیح و رفع ابهام و کاستی داشت با علامت‌گذاری مشخص می‌کرد و در حاشیه همان صفحه نظرات اصلاحی، تکمیلی و توضیحی خود را می‌نگاشت. رعایت عفت در نگارش، صداقت و راستی و نیز حقیقت‌نگاری و تشویق دیگران در پرورش بُعد علمی و غنابخشیدن به دانسته‌ها از دیگر اختصاصات این شهید در بُعد علمی و پژوهشی می‌باشد.

نویسندگان در ادامه به معرفی کتابخانه خصوصی آیه‌الله قاضی پرداخته‌اند و خاطر نشان نموده‌اند علاوه بر نسخ خطی ارزشمند، تعداد قابل توجهی از فرامین، اسناد حقوقی، قبایجات، نامه‌های دوستانه، مکاتبات رجال سیاسی - مذهبی آذربایجان از دوران زندیه تا زمان حیات وی در این کتابخانه وجود دارد که منحصر به فرد و قابل توجه است. آثار برجای مانده از شهید قاضی طباطبایی که شامل تألیفات مستقل، تصحیحات، تعلیقات و مقدمه‌نویسی بر آثار بزرگان، مقالات متعدد، تقریرات دروس استادانی که در محضرشان تلمذ نموده است، در این فصل در دو بخش مطبوع و مخطوط معرفی شده‌اند. در فصل پنجم با عنوان حیات اجتماعی اخلاق و رفتار این دانشور مبارز در خانه، اجتماع و برخورد با مردم ترسیم گردیده است و بهتر بود نام این فصل فضایل اخلاقی و ویژگی‌های اخلاقی گذاشته می‌شد. در این فصل ضمن آن که به تلاش آن شهید در رفع مشکلات مردم توجه شده و فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی او معرفی گردیده بر این ویژگی تأکید شده که آن شهید به غم حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و عرصه‌های اجتماعی به سیر و سلوک عرفانی توجه داشت اما می‌کوشید این بُعد از توفیق معنوی خود را که بر اثر ترک محرمات، انجام واجبات و روی آوردن به ذکر و تقوا بدست آورده بود مطرح نکند و در نوشته‌هایش نیز چنین احتیاط و اجتنابی دیده می‌شود.

فصول ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم به نقش آیه‌الله قاضی در نهضت امام خمینی (قدس سره) اختصاص یافته است، از زمانی که امام خمینی (ره) با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به مخالفت برخاست، شهید قاضی با این حرکت همکاری کرد و همراه با علمای تبریز با صدور اعلامیه‌ای تصویب این لایحه را که مغایر با شرع مقدس اسلام بود محکوم نمود. پس از دستگیری حضرت امام در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هـ. ش این عالم مقاوم حمایت مردم و علمای تبریز را طی سخنانی از رهبر نهضت اسلامی اعلام کرد و نام وی را با عنوان «مقام عظیم مرجعیت» اعلام نمود، بر اثر حمایت‌های این شهید از قیام امام خمینی (ره) در تاریخ دوازدهم آذر سال ۱۳۴۲ تلفن منزل شهید قاضی قطع گردید و روز بعد دستگیر و تحویل زندان قزل قلعه داده شد که حدود چهل روز بعد به شفاعت آیه‌الله حکیم از بند و حبس آزاد گردید او با این که پس از آزادی، در تهران تحت نظر بود، از تلاش در جهت تداوم نهضت دست برداشته به همین دلیل بار دیگر دستگیر و روانه زندان گشت، ساواک که از تلاش‌های این شهید خسته شده بود درصدد آن برآمد که وی را جذب کند و چون در این کار ناامید شد کوشید

با اقداماتی گسترده و صرف مبالغ زیاد آیه‌الله قاضی را بدنام کند و از صحنه سیاسی اجتماعی حذف نماید تا آن که به دنبال سخنرانی در جهت افشای دولت اسرائیل و رژیم صهیونیستی به بافق کرمان و سپس زنجان تبعید گردید.

در دوران اوج‌گیری نهضت و با مختصر فضای باز سیاسی موجود، اندکی از فشار و اختناق کاسته شد جلسات هفتگی روضه‌خوانی در منزل آیه‌الله قاضی که اجتماعی مذهبی سیاسی بود شکل گسترده‌ای به خود گرفت و با دریافت خبر شهادت آیه‌الله مصطفی خمینی فرزند برومند رهبر دور از وطن، آیه‌الله قاضی در تکاپو بود که به هر نحو ممکن مجلس بزرگداشت و تجلیلی برای ایشان برگزار نماید که این برنامه در مسجد آیه‌الله بادکوبه‌ای انجام شد. ایشان در روز تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۶ هـ. ش با ایراد سخنرانی در مسجد مقبره دور تازه‌ای از فعالیت خود را مطرح کرد، نقش بارز و تاثیرگذار ایشان در قیام ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز نیز فراموش‌نشده می‌باشد، این مسایل و حرکت‌های چشمگیر دیگر از جمله مباحثی است که در چهار فصل مورد اشاره با استناد به اسناد و مدارک معتبر و اظهارات افراد مورد اعتماد و مرتبط با آیه‌الله قاضی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل یازدهم به تلاش‌های آیه‌الله قاضی در جهت تثبیت انقلاب اسلامی، ایجاد نظم و سازماندهی نهادهای انقلاب و خارج کردن مردم از شرایط مبارزه با رژیم اشاره گردیده است. همچنین جلوگیری ایشان از اقدامات خودسرانه افراد ناشناس، مفسدجو و ضدانقلابی از جمله مباحثی است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفان خاطر نشان نموده‌اند: پس از پیروزی انقلاب اسلامی شهید قاضی بر اجرای قوانین که به حکومت واقعی اسلامی منتهی می‌شد تأکید فراوان داشت و تمام تلاش خود را مصروف این جهت نمود تا نگذارند با تدروی‌ها و برخی افراط‌گری‌ها دامان انقلاب لکه‌دار شود و به عنوان نماینده امام و امام جمعه تبریز از انحراقات و قانون‌شکنی‌ها جلوگیری می‌کرد و به عملکرد نهادهای انقلابی نظارت داشت.

فصل دوازدهم به چگونگی شهادت آیه‌الله قاضی پرداخته و بازتاب شهادت ایشان را در بین علما و مردم بررسی نموده است. از مزایای کتاب وجود توضیحات کافی و مستند در یاورقی می‌باشد که برخی نکات مطرح شده در متن را تکمیل می‌کند، منابع و مأخذ مفصل نیز ارزش این تلاش را ارتقا داده است، این منابع شامل کتابها، مجلات، روزنامه‌ها، اسناد، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها می‌باشند. فهرست اعلام اشخاص، اماکن، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها موجب تسهیل دسترسی محققان بر مطالب کتاب گردیده و ضمیمه نمودن ۹۹ سند و تصاویری که برخی از آنها برای نخستین بار به طبع می‌رسند حسن این نوشتار را مضاعف نموده است.